

گونه‌شناسی مشاغل و پایگاه‌های درآمدی یادشده در دیوان‌های شعر فارسی قرن‌های هشتم و نهم هجری

محسن الویری*

مرضیه پروندی**

چکیده

مشاغل و پایگاه‌های درآمدی یکی از مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی است که واکاوی گونه‌ها، قلمرو، خاستگاه‌ها و ابعاد آن می‌تواند گوشه‌هایی تازه از زندگی مردم در گذشته را بنمایاند. بی‌توجهی نسبی منابع متعارف تاریخی به تاریخ اجتماعی زمینه‌ساز اقبال به دیگر منابعی است که در تقسیم اولیه در شمار منابع تاریخی قرار نمی‌گیرند. دیوان‌های شعر را باید از جمله این منابع برشمرد. در این دیوان‌ها به انبوهی از مسائل و مؤلفه‌های مربوط به زندگی اجتماعی اشاره شده است. استخراج و سپس گردآوری اطلاعات درباره آنها روزنه‌ای است به سوی فهم متن و واقعیت اجتماعی روزگاران گذشته. این مقاله با رویکردی وصفی و با استفاده از تکنیک جست‌وجوی نام مشاغل و پایگاه‌های درآمدی در پنج دیوان شعر از شاعران پارسی‌سرای قرن‌های هشتم و نهم ایران و دسته‌بندی آنها کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد که مشاغل و پایگاه‌های درآمدی یادشده در این دیوان‌ها در بستر یک مطالعه تکمیلی دیگر تا چه اندازه متأثر از آموزه‌های دینی بوده است. این بررسی نشان می‌دهد که در ایران، در روزگار بین خرابی‌های حمله مغولان و آبادانی عصر صفویه، آموزه‌های دینی در مشاغل دین‌آورد شامل سه دسته مشاغل مرتبط با اجرای عبادات دینی (شامل سه شغل)، مشاغل مرتبط با اجرای احکام اجتماعی دینی (شامل سه شغل) و مشاغل مرتبط با آموزش و ترویج دین (شامل چهار شغل) و مشاغل دین‌پرورد شامل دو دسته مشاغل مرتبط با اجرای

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه باقرالعلوم (ع) (نویسنده مسئول) alvirim@gmail.com

** عضو هیئت علمی گروه معارف، دانشگاه امیرکبیر parvandi_966@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۲۷

احکام دینی و مراسم (شامل پنج شغل) و مشاغل مرتبط با ساخت و اداره اماکن دینی (شامل سه شغل) و نیز پایگاه‌های درآمدی (شامل چهار شغل) نقش داشته است.

کلیدواژه‌ها: مشاغل دین‌آورد، مشاغل دین‌پرورد، پایگاه‌های درآمدی، حسن کاشی، ابن یمین فریومدی، شرف‌الدین یزدی، نورالدین طوسی اسفراینی، ابن حسام خوسفی.

۱. مقدمه

تاریخ اجتماعی که در واکنش به تاریخ سیاسی به وجود آمد، رویکردی نوین به تاریخ است که در آن کوشش می‌شود ضمن پرداختن به زندگی مردم عادی، جلوه‌های گوناگون زندگی و فرهنگ اقوام و جوامع گذشته مورد بررسی قرار گیرد.^۱ این شاخه از تاریخ پژوهی، روابط اجتماعی را با تکیه بر شواهد و مستندات تاریخی و به صورت عمده در قلمرو زندگی روزانه مردم، موضوع بررسی خود قرار داده است و از آنجا که بهترین محل بروز خواست‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای مردم عادی زندگی روزانه آنهاست، این یافته‌ها می‌تواند بسیاری از مواد مورد نیاز را در پژوهش‌های تاریخ اجتماعی فراهم سازد.^۲

بی‌توجهی مورخان سنتی به اطلاعات مربوط به زندگی معمولی مردم و فقدان متون ویژه تاریخ اجتماعی به صورت مستقل از ادوار گذشته ایران و اسلام، تاریخ‌پژوهان را بر آن داشته است تا با استفاده از مآخذ دیگر مانند منابع فقهی، ادبی و سفرنامه‌ها این کمبود را جبران کنند. منابع ادبی همچون دیوان‌های شعر از جمله مهم‌ترین این آثار است که مشحون از اطلاعات مفید و آینه تمام‌نمای رویدادها، آیین‌ها و زبان حال ملت‌ها به‌شمار می‌آیند. از همین روی، این گونه آثار از جایگاهی مهم در مطالعات تاریخ اجتماعی برخوردارند.^۳

قرن‌های هشتم و نهم هجری مصادف است با فروپاشی حکومت مغولان، ظهور حکومت‌های محلی و روی کار آمدن تیموریان و ترکمانان. شعر در این دوره عمومیت داشت و تعداد بسیاری از شاعران در این دو قرن می‌زیستند. با وجود خرابی‌های فراوان برآمده از حمله مغولان، درگیری‌های حاکمان محلی و هجوم تیموریان، در دوران جانشینان تیمور اقدامات قابل توجهی برای اصلاح امور صورت گرفت و ادبا، دانشمندان و هنرمندان مورد توجه و حمایت ویژه قرار گرفتند.^۴

مشاغل و پایگاه‌های درآمدی در قرون متمادی رکن اصلی حیات اجتماعی و اقتصادی مردم به‌ویژه در ایران بوده، ضمن تأثیر بر سایر ارکان جامعه از فرهنگ و تمدن حاکم بر آن

نیز متأثر بوده است. این مؤلفه در مطالعه تاریخ اجتماعی جوامع از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. با این همه، این موضوع کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. شغل فعالیتی است که به وسیله آن انسان‌ها از محیط اطراف خود بهره می‌گیرند یا در ازای آن مزد دریافت می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۷۸۸)، درحالی که پایگاه درآمدی هرگونه بهره‌برداری مادی و غیرمادی از مرتبه یا موقعیت دینی، فرهنگی و اجتماعی است که به فرد این امکان را می‌دهد تا از امتیازها و درآمدهای ویژه‌ای برخوردار شود. بدون شک، نوع، کثرت و تنوع حرف و مشاغل در هر جامعه به‌خوبی می‌تواند سطح اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و میزان پیشرفت و پویایی یا رکود و خمودی آن جامعه را نشان‌دهد. با توجه به اهمیت این مقوله در زندگی روزانه مسلمانان، تحلیل و شمردن مشاغل و پایگاه‌های درآمدی در بستر دینی و بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد، رونق و یا محدودیت آنها از موضوعات مهم این تحقیقات به‌شمار می‌آید.

این مقاله بر اساس اشعار پنج شاعر ایرانی در قرن‌های هشتم و نهم هجری، مشاغل و پایگاه‌های درآمدی یادشده در آنها را استخراج و تأثیر فرهنگ و آموزه‌های دینی بر آنها را با استفاده از سایر منابع بررسی کرده است. این شاعران عبارت‌اند از: حسن کاشی (متوفی ۷۳۸ ق)، ابن‌یمین فریومدی (متوفی ۷۶۹ ق)، شرف‌الدین علی یزدی (متوفی ۸۵۸ ق)، نورالدین حمزه طوسی اسفراینی (متوفی ۸۶۶ ق) و ابن‌حسام خوسفی (متوفی ۸۷۵ ق).^۵ در این نوشتار با رویکردی وصفی و با تکیه بر مفهوم مشاغل و پایگاه‌های درآمدی با بهره‌گیری از تکنیک‌های اولیه تحلیل محتوا و مطالعه بیت به بیت دیوان‌ها، واژگان مرتبط را شناسایی کرده و سپس با بهره‌گیری از دانش‌های دیگر به بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر آنها پرداخته‌ایم. همچنین، از تکنیک‌های متداول گونه‌شناسی بهره برده‌ایم (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۲۷۰). شایان ذکر است که تمام مشاغلی که در اشعار به آنها اشاره شده، در صورت کاربرد کنایی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. در مواردی که تعداد ابیات هر شاعر بیش از یک بیت بوده، برای رعایت اختصار، بیتی که دلالت روشن‌تری داشته، مورد استناد قرار گرفته است.

موضوع مشاغل در پژوهش‌های چندی از جمله نمود طبقات و مشاغل در مکاتبات رشیدی^۶ و زندگی حرفه‌ای مؤذنان و بازتاب آن در ذهن و زبان مسلمانان^۷ و نیز فرهنگ دینی در نظام حمل‌ونقل و مسافرت‌های مردم ایران در عصر صفوی — قاجاریه^۸ مورد بررسی قرار گرفته است، اما این آثار یا به موضوع اصلی این نوشتار یعنی تأثیر دین بر این مؤلفه پرداخته‌اند و یا به محدوده تاریخی موردنظر این مقاله مربوط نمی‌شوند.

۲. مشاغل و پایگاه‌های درآمدی در دیوان‌های شعر قرن‌های هشتم و نهم هجری

تأثیرات فرهنگ و آموزه‌های دینی را بر مشاغل می‌توان بر اساس تکنیک‌های رایج گونه‌شناسی نخست در دو بخش دینی (دین‌آورد) و غیردینی (دین‌پرورد) و سپس به اقسامی دیگر طبقه‌بندی کرد.^۹

۱.۲ مشاغل دینی - دین‌آورد

مشاغل دینی یا دین‌آورد و دین‌بنیاد به آن دسته مشاغل اطلاق می‌شود که با ظهور اسلام پدیدآمد و جامعه بشری تا پیش از آن با آنها آشنا نبود. گسترش تدریجی فضای زندگی و شمار مسلمانان و تحولات چشمگیر در جوامع اسلامی به‌ویژه به دنبال فتوحات و تعاملات مسلمانان با یکدیگر، دو پیامد مهم داشت: نخست اینکه پاره‌ای از مسئولیت‌های دینی که در آغاز به امید ثواب و پاداش الهی و آن‌جهانی صورت می‌گرفت، به یک شغل و منبع درآمد تبدیل شد و دوم آنکه افرادی که این مشاغل نوپدید را عهده‌دار شدند، در قالب تشکیلاتی که کارهای آنها را سامان می‌داد، به فعالیت خود ادامه می‌دادند. مشاغل دینی در دوره موردنظر این نوشتار را می‌توان به‌طور عمده در سه حوزه انجام عبادات، اجرای احکام اجتماعی اسلام و آموزش و ترویج دین دسته‌بندی کرد.

۱.۱.۲ مشاغل مرتبط با انجام عبادات

۱.۱.۱.۲ امامت جماعت

عبادات و احکام بخش عظیمی از شریعت را تشکیل می‌دهند. با توجه به اهمیت نماز در اسلام و تأکید بر اقامه جماعت‌ها مانند نماز جماعت، جمعه و عیدین، منصب امام جماعت که در صدر اسلام به پیامبر (ص) و جانشینان وی اختصاص داشت، همواره یکی از مناصب مهم دینی در جامعه اسلامی به‌شمار آمده‌است.

کتب فقهی برای امام جماعت شرایطی را ذکر کرده‌اند (صاحب جواهر، بی‌تا: ۹/۱۴؛ زحیلی، ۱۹۹۷: ۱۲۰۰/۲) که در اینجا مجال طرح آنها نیست. عالمان و فقها بر اقامه نماز از سوی امام جماعت به صورت خالصانه یعنی بدون دریافت اجرت توصیه کرده‌اند (محقق حلّی، ۱۹۶۹: ۲۶۵/۲). با اینکه پرداخت دستمزد به امام جماعت در صدر اسلام رایج نبود، به تدریج دریافت اجرت از واقفان مساجد، مردم و یا حکومت معمول شد. در

قرن‌های بعد، در موارد بسیار حکومت بر کار تعیین ائمه جماعات و پرداخت مقرری به ایشان به‌ویژه برای مساجد جامع نظارت داشت (دانش پژوه، ۱۳۴۶: ۱۱۳). مدارس دینی و خانقاه‌ها نیز در این دوره امام جماعت داشت که از سوی حکومت یا واقفان، مقرری دریافت می‌کرد (فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۱؛ ویلبر و گلمیک، ۱۳۷۴: ۱۳).

از آنجا که مسجد به‌عنوان یک نهاد پویا و فعال، ارتباطی تنگاتنگ با دیگر بخش‌های جامعه دارد، امامان جماعت همواره از جایگاه اجتماعی و احترام معنوی ویژه‌ای بهره‌مند بوده‌اند. به امام‌جماعت فقط در یک بیت از دیوان ابن‌یمین اشاره شده است:

شرطست در نماز جماعت امام را کاو را از آن میان صفت افضلی بود

(فریومدی، ۱۳۶۳: ۴۴)

۲.۱.۱.۲ قرائت و حفظ قرآن

سنت قرائت و حفظ قرآن به‌ویژه در مساجد و در مناسبت‌های گوناگون و مجالس سوگواری برای کسب ثواب و شادی ارواح گذشتگان از رسوم متداول میان مسلمانان بوده است. مقرری قاریان و حافظان را بانیان یا واقفان اماکن دینی پرداخت می‌کردند (بلر، ۱۳۸۷: ۵۶). در این دوره، قاریان و حافظان در مساجد جامع و خانقاه‌ها به صورت منظم به قرائت قرآن می‌پرداختند (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۴۹). این مجالس در ماه رمضان از رونق بیشتری برخوردار بود. اشاره به حفاظ تنها در یک مورد و در منظومات شرف‌الدین یزدی به‌کاررفته است.

مجلس و عاظ را دادی نظامی بر کمال محفل حفاظ را افزوده نوری از جمال

(یزدی، ۱۳۸۶: ۳۱)

۳.۱.۱.۲ مؤذنی

شغل مؤذنی به‌عنوان حرفه‌ای دین‌آورد از جمله مشاغلی است که با ظهور اسلام به‌وجود آمد. مسلمانان صدر اسلام در آغاز از شیوه خاصی برای اعلام وقت نماز استفاده نمی‌کردند، اما مدتی بعد بنا بر نظر بیشتر علمای مسلمان، تشریح اذان بر اساس وحی الهی صورت گرفت و بلال حبشی به‌عنوان مؤذن پیامبر (ص) انتخاب شد (ابن‌بابویه، ۱۴۰۱: ۱۸۳/۱؛ ابوداؤد، ۱۴۱۳: ۳۴۵/۱).

در منابع فقهی مذاهب مختلف اسلامی، درباره شرایط مؤذن و اذکار اذان اختلافاتی به چشم می‌خورد. از آنجا که در این نوشتار بررسی جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی این شغل در

بستر تاریخ اسلام موردنظر است، فقط به بررسی آنچه در منابع تاریخی در این باره آمده پرداخته می‌شود.

با اینکه در اسلام گفتن اذان بر هر مرد مسلمان که دارای شرایط لازم از جمله آشنایی به اوقات شرعی باشد مستحب است، همواره مؤذنان رسمی وجودداشتند که از سوی مراجع مربوط معین می‌شدند. ایشان علاوه بر مساجد در هر مکانی که نماز جماعت تشکیل می‌شد، از جمله مدارس دینی و خانقاه‌ها حضور ثابت داشتند (دانش‌پژوه، ۱۳۴۶: ۱۱۳؛ ویلبر و گلمیک، ۱۳۷۴: ۸۳). گاه شمار مؤذنان رسمی عضو این صنف در یک شهر به صدها تن می‌رسید و در بعضی مساجد مانند جامع دمشق و مسجدالحرام گاه ده‌ها مؤذن وجود داشت (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۱۰).

اگرچه پرداخت دستمزد به مؤذنان در صدر اسلام معمول نبود، ولی در ادوار بعد ایشان در شمار کارکنان دولت‌های اسلامی محسوب می‌شدند و زیر نظر مقامی که متولی امور دینی بود فعالیت می‌کردند. نظارت بر کار ایشان در دو جنبه پرداخت دستمزد و تعیین صلاحیت انجام می‌گرفت (موسی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

در بعضی از موارد، اجرت مؤذنان مانند سایر کارکنان مساجد و خانقاه‌ها از محل اوقاف اختصاص یافته به این مراکز تأمین می‌شد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۸۸/۳؛ بلر، ۱۳۸۷: ۵۶). مؤذنان به سبب اشتغال به این فعالیت دینی و شریف از جایگاه اجتماعی بالایی در جامعه اسلامی برخوردار بوده‌اند و گاه در امور دیگری مانند وعظ، گواهی در معاملات و حتی مأموریت‌های سیاسی شرکت داده می‌شدند (موسی‌پور، همان). به مؤذن فقط در این دو بیت اشاره شده است:

گه بود حقه سیماب و درو مهره زر گاه از آن حقه کند مؤذن شبخیز خروج

(فریومدی، ۱۳۶۳: ۵۷۴)

اگر مؤذن دین آن درخت ناز آید ز قامتش به چمن سرو در نماز آید

(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۱۹۶)

۲.۱.۲ مشاغل مرتبط با اجرای احکام اجتماعی اسلام

۱.۲.۱.۲ احتساب

در تاریخ اجتماعی ایران بعد از اسلام، منصبی بزرگ به نام محتسب به وجود آمد که از پایه‌های بزرگ امور دینی است. نهاد حسبه به‌عنوان بخشی از دستگاه قضایی اسلام از

نخستین سده‌های اسلام رسمیت یافت. «معمولاً محتسبان از جانب امام یا نایب او تعیین می‌شدند تا بر احوال مردمان و مصالح آنها نظارت کنند» (باستانی پاریزی، ۱۳۴۷: ۱۴۶). امر به معروف، پاسداشت هنجارهای اخلاقی و شعایر دینی، جلوگیری از کارهای خلاف شرع و به‌ویژه نظارت بر کار خرید و فروش از وظایف بنیادین محتسبان در طول تاریخ بوده است. این نهاد در انجام وظایف خود از دیگر عوامل حکومتی مانند شحنه بهره می‌گرفته است. «شاعران عملکرد این نهاد را مانند دیگر مضامین اجتماعی، دستمایه پردازش اشعار خود قرار داده با نگرشی انتقادی به بررسی آن پرداخته‌اند. تناقضات میان کارکرد آنها و آموزه‌های دینی، تجسس نابجا و عدم اشراف لازم بر احکام شرعی از دلایل ناکارآمدی عده‌ای از ایشان در طول تاریخ اسلام بوده است» (جوکار، ۱۳۶۷: ۲۳). صاحبان این منصب از قدرت و جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۴۰). شاعران ذیل در اشعارشان به این شغل اشاره کرده‌اند. لازم به یادآوری است در دیوان ابن‌یمین در ابیات دیگری نیز به محتسب اشاره شده، که به جهت اختصار فقط به ذکر یک مورد بسنده شد.

ما را چو ملک و مال خرید و فروخت نیست گر محتسب برون کند ز شهر فارغیم
(فریومدی، ۱۳۶۳: ۴۶۴)

انصاف محتسب بر رندان درست شد چون با هزار بت قحح باده می‌شکست
(یزدی، ۱۳۸۶: ۸۸)

ای محتسب که منع سراندازیم کنی بگذر ز ما که مستی ما از شراب نیست
(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۱۳۳)

۲.۲.۱.۲ شحنگی

مأموران انتظامی را در حکومت اسلامی شحنه می‌خواندند. در قرن‌های هشتم و نهم مانند قرن‌های پیش از آن، شحنه‌ها از وابستگان به دیوان احتساب بودند و مجازات گناهکاران و مرتکبان امور خلاف شرع را در شهرها برعهده داشتند.

حُسن انجام وظیفه و شدت برخورد صاحبان این شغل با مجرمان، ارتباطی تنگاتنگ با اهتمام حاکمان وقت به رعایت حدود شرعی در جامعه داشت (خوافی، ۱۳۸۶: ۴۶). تیمور در تزویرات خود از این طبقه نام برده است (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۲۰۹). به شحنه در این ابیات اشاره شده است.

۸ گونه‌شناسی مشاغل و پایگاه‌های درآمدی یادشده ...

- ز بیم شحنة عدلت خرد را بس عجب ناید که گیرد زهره رعنا به ترک شوخی و سنگی
(فریومدی، ۱۳۶۳: ۱۸۲)
- باده ما از سبویی دیگرست شحنة گو بشکن خم و پیمانہ ہم
(یزدی، ۱۳۸۶: ۱۰۱)
- سنانده بود به در چاوشی و نامش عشق چو شحنة‌ای که کشد دزد عقل را بردار
(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۴۸)

۳.۲.۱.۲ قضاوت

با وجود قدمت منصب قضاوت در ایران، به دنبال سقوط ساسانیان نهاد دادرسی در ایران دستخوش تغییر و تحولی بنیادین شد و با گسترش اسلام در سرتاسر ایران، نظام شرع بر این نهاد نیز حاکم شد (امین، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

به این ترتیب، با توجه به اینکه در اسلام مبنای حقوق و نظام قضایی، شریعت الهی و احکام دینی است، می‌توان این شغل را از جمله مشاغل دینی در جامعه اسلامی به حساب آورد (میرخواند، ۱۳۷۳: ۱۴۶/۶). منصب قضا در حیات پیامبر (ص) به شخص آن حضرت اختصاص داشت؛ اما با گسترش اسلام، پیامبر (ص) بعضی از اصحاب مورداعتماد خود را برای حکومت توأم با حق دادرسی به حوزه‌های قضایی دیگر فرستادند.

در قرن‌های بعد، منصب قاضی القضاة ایجادگردید و در عهد ایلخانان، تیموریان و ترکمانان دیوان قضا به ریاست قاضی القضاة که در رأس همه مقامات بود، تشکیلات گسترده‌ای در سطح مملکت اسلامی داشت (رستمی، ۱۳۹۰: ۷۶). در دوران تیموریان، حاکمان به این منصب اهمیت بسیاری می‌دادند و گاه خود بر این مسند می‌نشستند و به قضاوت می‌پرداختند (یزدی، ۱۳۸۷: ۵۶۵/۱). ایشان همچنین علاوه بر کار تعیین قضاة، نظارت بر حسن اجرای احکام شرع را نیز برعهده‌داشتند (میرخواند، ۱۳۷۳: ۱۴۶/۶). در این دوره، شغل قضاوت از اعتبار و جایگاه ویژه‌ای نزد حاکمان و مردم برخوردار بوده است. در دیوان ابن‌یمین اشارات دیگری نیز به قاضی وجود دارد.

- در ششم مسند چه دیدم قاضی نیک اختری قدّ او شاخی که هستش بخت و دولت بیخوبار
(فریومدی، ۱۳۶۳: ۸۷)
- مفتی علم قضا قاضی احکام قدر عذرخواه سهو و عصیان حامی جرم و جفا
(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۱۶)

۳.۱.۲ مشاغل مرتبط با آموزش و ترویج دین

۱.۳.۱.۲ افتا

فتوا در لغت به معنای بیان و پاسخ‌گویی به مسائل و مشکلات است و در اصطلاح رأیی است که فقیه به منزله حکم شرع درباره موضوعی بیان می‌کند. در کتب فقهی شیعه و سنی به شرایط گوناگون اهل فتوا اشاره شده است که در این نوشتار مجال طرح آن نیست. مفتیان رسمی به‌ویژه در میان اهل سنت همواره از سوی حکومت مورد تأیید و توجه بوده‌اند و در مواردی امامت جمعه و یا قضاوت را نیز برعهده داشته‌اند (امین، ۱۳۸۶: ۱۴۲). در دوره تیموریان، مفتیان از طبقات مورد اشاره و توصیف حاکمان به‌ویژه تیمور بوده‌اند (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۲۵۲). او در بعضی از سفرها مفتیان را برای استفاده از فتاوی آنها در امر قضاوت و بیان احکام شرعی با خود به همراه می‌برد (میرخواند، ۱۳۷۳: ۲۵۴/۶). این عالمان دینی و فقیهان که کار حراست از احکام شرع را برعهده داشته‌اند، از دیرباز از جایگاه اجتماعی و معنوی بالایی در اذهان مسلمانان برخوردار بوده‌اند و در طول تاریخ اسلام در شکل‌دهی برخی رخدادهای و تعیین مسیر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی، نقش اساسی برعهده داشته‌اند. به‌واژه مفتی فقط در این آیات اشاره شده است:

بهر قضیه‌ای که مفتی شرع درماند ز لوح رأی تو گیرد جواب فتوی را

(فریومدی، ۱۳۶۳: ۹)

مفتی علم قضا قاضی احکام قدر عذرخواه سهو و عصیان حامی جرم و جفا

(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۱۶)

مفتی درس دیر عشق کجاست تا بگوید که نیست باده حرام

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۷۷۹۷)

۲.۳.۱.۲ تعلیم و تدریس

شغل تعلیم و تدریس در بیشتر جوامع وجود داشته، اما با توجه به اینکه در ایران بعد از اسلام تا مدت‌ها اساس تحصیلات با علوم دینی توأم بوده است، می‌توان این شغل را از جمله مشاغل دینی دانست که هدف اصلی آن آموزش و ترویج دین بوده است.

برای تحصیلات معمولاً دو نوع مدرسه وجود داشت: مکتب که مخصوص فراگیری دوره مقدماتی بود و در آن خواندن و نوشتن و قرآن و واجبات دینی فراگرفته می‌شد و

مدارس که در آن تفسیر و حدیث و فقه و سایر علوم دینی تدریس می‌شد. تا قرن‌ها حلقه‌های درسی در اطراف مدرسان در مساجد و توسط روحانیان و علما تشکیل می‌شد (شلبی، ۱۳۷۰: ۲۴۴؛ سامی، ۱۳۵۲: ۳۸).

از قرن چهارم به بعد چون عده‌ای مسجد را مخصوص عبادت می‌دانستند و طرح بعضی از مباحث درسی در مسجد را برخلاف قداست این مکان می‌پنداشتند، مدارس را جهت تعلیم و تعلم بنا نهادند. بانیان و کمک کنندگان به این تأسیسات معمولاً نیتشان ترویج و تقویت دین بود (پسنیدیه، ۱۳۶۳: ۱۴).

در دوره تیموری، مدرسه به‌عنوان عمده‌ترین مؤسسه آموزش علوم دینی کاملاً توسعه یافت (حافظ ابرو، ۱۳۴۹: ۳۶). مدارس در این دوره مانند مساجد، خطیب، مؤذن و امام‌جماعت داشت. در قرن‌های هشتم و نهم، حکومت و مردم مدارس متعددی را ساختند و مانند دوره‌های پیش برای آنها موقوفاتی اختصاص یافت (شلبی، ۱۳۷۰: ۲۸۸). در وقف‌نامه‌ها معمولاً به اختصاص بخشی از درآمد موقوفات برای پرداخت حق‌التولیه و دستمزد کارکنان از جمله مدرسان و خادمان این مدارس اشاره می‌شد (لمبتون و کرک، ۱۳۸۴: ۹۹؛ فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۱۵۶؛ دانش‌پژوه، ۱۳۴۶: ۱۱۳).

مدرسان علوم دینی همواره به جهت قداست تعلیم و تعلم در جامعه اسلامی از اعتبار ویژه‌ای برخوردار و مورد احترام مردم بوده‌اند (جان‌احمدی، ۱۳۸۷: ۱۶۵). به مدرس و معلم در این سه بیت اشاره شده است:

علی وصی رسول خدا و زوج بتول علی مدرس تدریس عالم بالاست
(کاشی، ۱۳۸۹: ۱۷۴)

درویابی مدرس شمس دین را به دانش مقتدا اهل یقین را
(فریومدی، ۱۳۶۳: ۵۸۶)

نه عقل هیچ معلم به علم او آگاه نه فکر هیچ توانا به کُنه او دانا
(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۵)

۳.۳.۱.۲ مداحی و مرثیه‌خوانی

سرودن اشعار در مدح و منقبت و یا سوگ پیامبر (ص) و خاندان وی که از صدر اسلام آغاز شده بود، پس از سخت‌گیری‌های بنی‌امیه و به دنبال واقعه عاشورا به‌ویژه در میان شیعیان، افزایش چشمگیری یافت.

از قرن سوم به بعد منقبت‌خوانان و مرثیه‌سرایان اشعار خود را در بازارها و اماکن عمومی بر مردم می‌خواندند و همین امر موجبات گسترش تشیع در ایران را در قرون بعدی فراهم آورد (نفیسی، بی‌تا: ۲۲۹).

در قرن هفتم، هشتم و نهم، شعر مدح و ستایش نسبت به ائمه (ع) بسیار اوج گرفت (جعفریان، ۱۳۸۲: ۸۹). در این زمان، این جریان به صورت سنتی پایدار در میان شیعیان و حتی سنیان متمایل به شیعه درآمده است. در قرن نهم، به تشویق حاکمان تیموری شاعران بسیاری در این زمینه به فعالیت پرداختند (سمرقندی، ۱۳۸۵: ۹).

مرثیه‌سرایی در سوگ بزرگان دین به‌ویژه امام حسین (ع) در این دوران رونق داشت. مرثیه‌خوانان در مراسم سوگواری امام حسین (ع) که در مناطق مختلف سنی‌نشین و شیعه‌نشین برگزار می‌شد، به روضه‌خوانی و ذکر مصائب اهل بیت (ع) می‌پرداختند. این مراسم در دربار تیموریان نیز برگزار می‌شد (زمجی اسفزاری، ۱۳۵۸: ۳۰/۲).

در این دوره، مرثیه‌خوانان به صورت حرفه‌ای به خواندن مرثیه و سخنرانی مذهبی می‌پرداختند (واصفی، بی‌تا: ۲۶۷/۲؛ حسین پور، ۱۳۸۶: ۸۰). به این ترتیب، این فعالیت نیز در زمره مشاغل دینی به حساب می‌آمد و صاحبان آن علاوه بر کسب وجهه معنوی و ترویج شعائر دینی، از این طریق امرار معاش نیز می‌کردند. به واژه مداح در این دو بیت اشاره شده است:

کاشی مداح ما مدحت ما می‌نویس مدحت ما می‌نویس کاشی مداح ما

(کاشی، ۱۳۸۹: ۵۸)

مداح اهل بیت نبی آذری منم چو طوطی شکرشکن شکرین مقال

(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۵۷)

۴.۳.۱.۲ وعظ و سخنوری

واعظان و سخنوران از جمله مبلغان دینی بوده‌اند که در طول تاریخ اسلام در اماکن و مراسم مختلف به‌ویژه در مساجد به وعظ و ارشاد مردم می‌پرداختند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۶۱۸/۳). واعظان در این دوره در اعیاد و مناسبت‌های دینی، مانند ماه رمضان یا ایام عزای امام حسین (ع) و حتی در مراسم جشن یا سوگواری، در دربار حاکمان و بزرگان به سخنرانی می‌پرداختند (زمجی اسفزاری، ۱۳۵۸: ۳۰/۲).

این سخنوران دستمزد خود را معمولاً از بانیان مراسم، متولیان موقوفات و اماکن

مذهبی و یا حکومت دریافت می‌کردند (سمرقندی، ۱۳۶۰: ۱۴۸/۲؛ بلر، ۱۳۸۷: ۵۶؛ دانش‌پژوه، ۱۳۴۶: ۱۱۳). واعظان به جهت اشتغال به این فعالیت دینی از جایگاه اجتماعی بالایی نزد مردم و حاکمان برخوردار بودند (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۹۴). در ابیات ذیل به این شغل اشاره شده است:

مجلس وعاظ را دادی نظامی بر کمال محفل حفاظ را افزوده نوری از جمال

(یزدی، ۱۳۸۶: ۳۱)

گویند یکی واعظ چالاک سخنگوی آهنگ سفر کرد و یکی نحوی دیگر

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۰۴۶۵)

۲.۲ مشاغل غیردینی - دین پرورد

مشاغل غیردینی یا دین پرورد به مشاغلی اطلاق می‌شود که قبل از اسلام در جوامع مختلف وجود داشته‌است و با آغاز اسلام از فرهنگ و آموزه‌های دینی در ابعاد گوناگونی مانند گسترش زمینه‌ها و فرصت‌های شغلی، درآمد بیشتر، ارتقای جایگاه اجتماعی و در مواردی نیز محدودیت و یا ممنوعیت تأثیر پذیرفته است. این مشاغل را می‌توان در حوزه‌هایی مانند مشاغل مرتبط با اجرای احکام اسلامی و مراسم و همچنین ساخت و اداره اماکن دینی بررسی کرد.

۱.۲.۲ مشاغل مرتبط با اجرای احکام اسلامی و مراسم

۱.۱.۲.۲ پارچه‌بافی و خیاطی

با اینکه شغل تهیه پارچه و دوخت انواع لباس‌ها از جمله مشاغل متداول در جوامع بوده است، وجود بعضی از آموزه‌های دینی در اسلام، این حرفه‌ها را به مشاغلی دین‌پرورد تبدیل کرده و تأثیرات خاصی بر آن داشته‌است. در قرن‌های هشتم و نهم، شغل پارچه‌بافی اهمیت خاصی داشته و صاحبان این صنعت از جمله کسانی بودند که تیمور ایشان را در حملات خود پناه داد و با خود به سمرقند برد (ابن عربشاه، ۲۵۳۶: ۱۶۵). بعضی از واجبات شرعی مانند حجاب و استفاده زنان از مقنعه و چادر که در این دوره بر روی لباس‌های دیگر می‌پوشیدند (کلاویخو، ۱۳۸۴: ۱۶۲)، لزوم استفاده از احرام برای حاجیان در ایام حج، واجب بودن کفن برای مردگان و همچنین وجود اماکن مذهبی و عام‌المنفعه بسیار مانند

مدارس و خانقاه‌ها و تهیه لباس از سوی حکومت یا واقفان برای ساکنان آنها را می‌توان از نمونه‌های تأثیر دین بر این مشاغل، رونق‌بخشی و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر برای آنها دانست (فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۹۹۸/۲). به خیاط و نساج در این ابیات اشاره شده است:

دست خیاط ازل چون رشته در سوزن گرفت هر سعادت کاندرا این فیروزه ایوان می‌رود
(کاشی، ۱۳۸۹: ۸۸)

نسیج خلعت شاهان کجا تواند بافت کسی که بر عمل بوریا برد نساج
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۴۳)

۲.۱.۲.۲ خبازی و طبّاحی

مناسبت‌ها و مراسم گوناگون دینی در جوامع اسلامی مانند ماه رمضان، اعیاد و مراسم سوگواری، فرصت‌های مناسبی برای کسب درآمد بیشتر در اختیار صاحبان بعضی از مشاغل مانند تهیه‌کنندگان مواد غذایی قرار می‌داد. از جمله سنت‌های مسلمانان، اطعام مردم و فقرا با نان، حلوا، خرما و انواع غذاها در مناسبت‌ها، مراسم جشن و یا سوگواری جهت برآورده شدن حاجات و شادی ارواح گذشتگان بود. علاوه بر آن، تهیه غذا برای ساکنان اماکنی مانند مدارس دینی و خانقاه‌ها از سوی واقفان، مردم و یا حکومت نیز بر کار صاحبان مشاغل مرتبط با تهیه و فروش مواد غذایی از جمله نانواها و آشپزها تأثیر بسیاری داشت (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۸۸/۳؛ فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۹۸۸/۲) به خباز و طبّاح در این دو بیت اشاره شده است:

تخم محبت از دل بیرون نمی‌توان کرد خباز عشق کرده‌ست این زیره در خمیرم
(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۳۴۰)

طبّاح خوان نعمت او آتش تموز صباغ رنگ صنعت او باد نوبهار
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۹۵)

۳.۱.۲.۲ کاروان‌سالاری، ساریانی و ملاحی

مشاغل مربوط به بخش حمل و نقل همواره در جوامع مختلف موجود بوده و مسافرت با انگیزه‌های گوناگون از اجزای جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌ها بوده است. در بررسی تأثیر دین و آموزه‌های آن بر مشاغل مربوط به بخش حمل و نقل در جوامع اسلامی آنچه از اهمیت خاصی برخوردار است، توجه به این نکته است که بخش بزرگی از مسافرت‌ها در میان

طبقات مختلف مردم به انگیزه‌های دینی و از جمله در چهارچوب سفرهای زیارتی صورت می‌گرفت (موسی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۳). سفرهای منظم دینی در ایام حج تمتع و سفرهایی مانند حج عمره و زیارت اماکن مقدس موجب رونق مشاغل مربوط به بخش حمل‌ونقل در این دوره بوده‌است. عمده مسافرت‌ها در قدیم به صورت گروهی و در قالب کاروان بوده و به سبب شرایط جغرافیایی ایران اغلب از راه‌های زمینی انجام می‌شد.

کاروان‌سالاری از جمله مشاغل مرتبط با این حوزه است که آموزه‌ها و آیین‌های دینی تأثیر مستقیمی بر آن داشته‌است. علاوه بر عواید اقتصادی حاصل از رونق این سفرها، صاحبان این شغل از جهت وجود صفاتی مانند مسئولیت‌پذیری، امانت‌داری، اخلاق نیکو و احترام به زائران اماکن مقدس نیز از توصیه‌های دینی تأثیر پذیرفته بودند. به این ترتیب، صاحبان شغل کاروان‌سالاری به‌ویژه کاروان‌های زیارتی از جمله افراد مورداعتماد و احترام در جامعه اسلامی بوده‌اند.

ساربانان، راهنماها و محافظان کاروان در سفرهای زمینی و ناخدا و کارکنان کشتی‌ها در سفرهای دریایی نیز از عواید و تأثیرات سفرهای دینی بهره‌مند بوده و درآمد منظمی داشته‌اند (ابن‌بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۶۹). به این مشاغل در ابیات دیگری نیز اشاره شده‌است.

رهروان راه جنت را از این رحلت‌سرا	کاروان‌سالار اقلیم بقا پیداست کیست
	(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۳۲)
کوچ فرمود قافل‌ه سالار	چشم غافل نمی‌شود بیدار
	(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۵۲۵)
با ساریان بگویند احوال آب چشمم	تا بر شتر ببندد محمل بروز باران
	(نیشابوری، ۱۳۸۹: ۳۹۲)
بزن ای ساریان تو طبل رحیل	تا سوی خانه برکشیم علم
	(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۹۴)
شد روان کشتی به رود نیل چون ملاح غیب	بادبان از پرنیان زرنگارش درکشید
	(فریومدی، ۱۳۶۳: ۶۹)
کشتی عمر ما چو به گرداب درکشند	ملاح قدرت تو مگر باشد آشنا
	(خوسفی، ۱۳۶۶: ۴۰۳)

۴.۱.۲.۲ مرده‌شویی

مسلمانان نیز مانند پیروان بعضی از ادیان از جمله زردشتیان و یهودیان به آدابی درباره کفن و دفن مردگان پای‌بندند. وجوب غسل میت در اسلام و آداب خاص مربوط به آن موجب اشتغال افرادی به این حرفه بوده است. این افراد معمولاً جایگاه اجتماعی پایینی داشته‌اند. به مرده‌شویی فقط در این بیت از دیوان ابن‌یمین اشاره شده است:

گر به استحقاق بودی کارها کار آن دون مرده‌شویی بود و بس

(فریومدی، ۱۳۶۳: ۴۳۲)

۵.۱.۲.۲ منجمی

علم نجوم از دیرباز در مناطق مختلف به‌ویژه هند و یونان رایج بوده و دانشمندان بسیاری در این زمینه فعالیت می‌کردند. در عهد عباسیان، این علم با ترجمه کتب یونانی و هندی وارد حوزه‌های علمی مسلمانان شد و به‌سرعت در ردیف دو علم طب و ریاضیات موردتوجه قرار گرفت (نبئی، ۱۳۶۳: ۲۴۶). اگرچه بخشی از دلایل اهتمام مسلمانان به علم نجوم به سبب توصیه‌های قرآن به شناخت آسمان‌ها و ستارگان بوده است، بدون‌شک ارتباط این علم با بعضی احکام اسلامی مانند شناخت قبله، نماز آیات، حج و تعیین ماه‌های حرام در این زمینه اهمیت بیشتری داشته است.

فارابی، دانشمند بزرگ اسلامی، در کتاب *احصاء‌العلوم* علم نجوم را دارای دو بخش می‌داند: بخش نخست مربوط به علم احکام نجوم و دلالت ستارگان بر حوادث آینده و دوم علم نجوم تعلیمی که در ردیف ریاضیات جای دارد (نبئی، همان). در طول تاریخ، منجمان در بخش‌های مختلف این علم فعالیت می‌کردند. گفتنی است که روایات مربوط به منع پرداختن به مسائل نجوم و قراردادن آن در ردیف مکاسب محرمة در کتب فقهی عمدتاً مربوط به بخش نخست است، درحالی که نیاز به پرداختن به بخش دوم این علم برای انجام صحیح فرایض دینی بر کسی پوشیده نیست؛ همچنان‌که عالمان دینی بزرگی مانند خواجه نصیرالدین طوسی در این علم سرآمد بوده‌اند.

با وجود منع روایات دینی از پرداختن به مسائلی مانند سعد و نحس ایام، حاکمان و مردم عادی از دیرباز علاقه خاصی به تعیین این زمان‌ها داشته و منجمان همواره طرف مشورت حاکمان در این زمینه برای پرداختن به کارهای گوناگون بوده‌اند. مردم عادی به‌ویژه برای تعیین اوقات سعد برای شروع سفر به منجمان مراجعه می‌کرده‌اند.

در عهد تیموریان، منجمان از طبقات موردتوجه حاکمان بودند (بیو، ۱۳۴۳: ۶۹). تیمور به سبب علاقه به علم نجوم، اسباب رونق این علم را فراهم ساخت (کاوسی، ۱۳۸۷: ۲۶). اعطای بعضی از القاب مانند لقب صاحبقران به وی نیز از سوی ایشان بوده است (نبئی، ۱۳۶۳: ۱۰۸).

منجمان از جمله عالمان جامعه محسوب شده، از شأن اجتماعی بالایی در جامعه برخوردار بوده‌اند و معمولاً برجسته‌ترین ایشان از سوی دربار موردحمایت قرار می‌گرفت. به منجم فقط در دیوان طوسی اشاره شده است.

منجمان ولایت به زیچ و اسطرلاب کنند در درجات این تساوی و تعدیل

(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۵۹)

۲.۲.۳ مشاغل مرتبط با ساخت و اداره اماکن دینی

رونق ساخت و اداره اماکن دینی از سوی مردم و حاکمان در این دوره، سبب گسترش زمینه‌های شغلی مربوط به این حوزه بوده است.

۱.۲.۲.۳ خدمتکاری و فراشی

در این دوره، خادمان و فراشان زیادی در مساجد، مدارس دینی، زیارتگاه‌ها، دارالسیاده‌ها و خانقاه‌ها به خدمت‌رسانی مشغول بودند. حفظ و نگه‌داری این اماکن، رفت‌و‌رو و روشن کردن چراغ از جمله وظایف ایشان بوده است (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۸۲). این افراد ضمن بهره‌مندی از امکانات این اماکن از حکومت یا متولیان آنها مقرری دریافت می‌کردند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۸۸/۳؛ بلر، ۱۳۸۷: ۵۶). به خادم و فراش در این ابیات اشاره شده است:

گر خادم مسجد را قنديل به كف بينم از شوق دلم گوید کاین ساغر و آن ساقیست

(فریومدی، ۱۳۶۳: ۲۰۴)

فراش خرد رفته به جاروب تنزه از گرد در معرفتش گرد سما را

(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۱۰)

۲.۲.۲.۳ معماری

حاکمان مسلمان از سده‌های نخستین اسلام، به ساخت مساجد زیبا و فاخر اهمیت بسیاری می‌دادند. در قرن‌های هشتم و نهم، پیشرفت هنر معماری و رونق اماکن مذهبی و زیارتگاه‌ها، موجب توجه بیشتر حاکمان و بزرگان به معماران و مهندسان کارآمد بود

(کلاویخو، ۱۳۸۴: ۱۹۸). حاکمان مسلمان مغول به‌ویژه غازان‌خان به امر ساخت اماکن دینی، بقاع و بناهای عام‌المنفعه اهتمام بسیاری داشتند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۵۹/۳). مذهب در دوره تیموری نقش مهمی در ارتقای هنر معماری داشت. هنر معماری در این دوره به شدت از دین متأثر بود. این تأثیر، هم در نوع طراحی و هم در رونق و جلب سرمایه برای معماران قابل مشاهده است (شایسته‌فر، ۱۳۷۹: ۲۵). از میان حاکمان این دوره، تیمور بیش از دیگران به کار این افراد نظارت داشت (یزدی، ۱۳۸۷: ۹۱۸/۱). تیمور ثروت بسیاری را که از راه غارت سرزمین‌ها به دست آورده بود، صرف ساخت بناهای باشکوه مانند کاخ‌ها و مساجد می‌کرد و به همین سبب مهندسان و معماران را دور خود جمع کرده بود (ویلبر و گل‌مبک، ۱۳۷۴: ۱۸). به نظر وی، مهندسان به سبب استعداد و لیاقتشان از طبقات ارزشمند جامعه به‌شمار می‌آیند و باید در کارهای عام‌المنفعه مورد استفاده قرار بگیرند (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۱۲). ساخت مساجد و مدارس به‌ویژه در سمرقند و هرات در این زمان افزایش چشمگیری یافت و در ایام جانشینان تیمور به دست وزیر ایشان امیر علیشیر همچنان ادامه پیدا کرد (کاوسی، ۱۳۸۷: ۲۷). تعمیر و ساخت بقاع متبرکه و خانقاه‌ها نیز در این دوران رایج بود. بعضی از معماران دوره تیموری از شهرت بسیاری برخوردار بودند؛ از آن جمله، می‌توان به استاد قوام‌الدین شیرازی اشاره کرد که نام وی بر سردر بسیاری از مدارس و مساجد از جمله مسجد گوهرشاد مشهد به چشم می‌خورد. به‌نظر می‌رسد در این دوران معماری و مهندسی از مشاغل مورد توجه و معتبر بوده و افزایش ساخت بناها، به‌ویژه بناهای دینی، شاغلان این حرفه را از درآمد خوبی برخوردار کرده بود. به این شغل فقط در این بیت اشاره شده است:

شد به معماری عنایت تو بیت معمور این سرای خراب

(فریومدی، ۱۳۶۳: ۳۲۰)

۳.۲.۲.۳ نقاشی

نقاشی از جمله حرف و مشاغل است که آموزه‌های دینی از جنبه‌های گوناگون بر آن تأثیر داشته است. اگرچه منع دینی بعضی از مضامین موجب ایجاد محدودیت‌هایی بر کار صاحبان این حرفه از جهات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده است، پیشرفت معماری و ساخت بناهای مذهبی متعدد در این دوره موجبات رونق این حرفه را به دنبال داشت (ویلبر و گل‌مبک، ۱۳۷۴: ۱۸؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۸۴۳/۴). کاربرد انواع خاصی از نقاشی به‌عنوان جزء مهم معماری این دوران در ساختمان اماکن دینی از یک‌سو و پیشرفت هنر تذهیب و

نقاشی حواشی و جلد قرآن‌ها از سوی دیگر، موجبات اشتغال و درآمد بیشتر شاغلان این حرفه را فراهم آورده بود (امیرخانی، ۱۳۸۱: ۲۱). بنا بر آنچه آمد، فرهنگ و آموزه‌های دینی از یک جهت موجب محدودیت کار نقاشان و از جهاتی موجب رونق کار آنها در این دو قرن بوده است (فدایی تهرانی، ۱۳۸۳: ۵۳). به نقاش در این دو بیت اشاره شده است:

مردم چشمم بعهد حسن او نقاش وار صورت حالم بآب سیم و زر بر میکشد

(فریومدی، ۱۳۶۳: ۵۴)

فراش فرش خلقت او، باد خوش خرام نقاش نقش صنعت او، آب خوشگوار

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۹۱)

۳.۳ پایگاه‌های درآمدی

فرهنگ و آموزه‌های دینی در این دوره علاوه بر تأثیرات گوناگون در حوزه مشاغل، امکانات ویژه‌ای را به‌عنوان پایگاه درآمدی در اختیار بعضی از افراد و گروه‌ها قرار می‌داد. مهم‌ترین نمونه‌هایی که در اشعار به آنها اشاره شده است، عبارت‌اند از:

۱.۳.۳ تصوف

تصوف از پایگاه‌های درآمدی مهم این دوره به‌شمار می‌رفت و سکونت در خانقاه‌ها و انتساب به صوفیه اعتبار خاصی به همراه می‌آورد (مرتضوی، ۱۳۸۵: ۳۱۳). بر اثر امتزاج شریعت و طریقت، مشایخ بزرگ و اصحاب خانقاه‌ها در شمار متصدیان امور شرع درآمدند (میرجعفری، ۱۳۷۹: ۱۷۷) و از جایگاه اجتماعی خاصی برخوردار شدند (فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۹۹۸؛ همو، ۱۳۵۸: ۲۴۵). در عهد ایلخانان، خانقاه‌ها موقوفاتی عظیم داشت و ساکنان آن از لحاظ معیشت در رفاه بودند. پس از آن هم، علاوه بر حمایت سلاطین و حاکمان، به‌ویژه تیمور و جانشینان وی، مردم نیز اماکن بسیاری را وقف خانقاه‌ها کرده، درآمدهایی را به آنها اختصاص می‌دادند (حسینی شاه‌ترابی، ۱۳۸۸: ۵۸). ایشان همچنین از محل نذورات مردم نیز بهره می‌بردند. این گروه همچنین از توجهات و احساسات دینی جامعه نسبت به خود برخوردار بودند. مردم برای متبرک شدن از انفاس آنها بر یکدیگر پیشی می‌جستند و زیارت شیوخ تصوف در این دوران بسیار رایج بود (کاوسی، ۱۳۸۷: ۲۶). این توجه موجب شده بود تا اهالی خانقاه‌ها از مزایای گوناگونی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخوردار شوند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۸۸/۳). به صوفی در این دو بیت اشاره شده است:

بازماند صوفیان خانقاه قدس را گوش بهر استماع و چشم بهر انتظار

(فریومدی ۱۳۶۳: ۸۸)

صوفی گرم‌رو نگر خرقه فکنده در سماع خارج حلقه آمده چرخ زنان حمایتی

(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۸۵)

۲.۳.۳ تکدی‌گری

با وجود رواج تکدی‌گری در جوامع مختلف، آنچه در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد، تأثیر فرهنگ و اعتقادات دینی مردم در کمک‌های جنسی و نقدی به گدایان و ایجاد درآمد برای ایشان است. این افراد با استفاده از عواطف دینی مردم و برزبان‌راندن جملات دینی و یا الفاظی که این احساسات را در مردم برمی‌انگیخت، کسب درآمد می‌کردند. ایشان همچنین از حضور و ازدحام مردم در اماکن مذهبی مانند مساجد، زیارتگاه‌ها و قبور به‌ویژه در مناسبت‌های دینی استفاده بسیاری می‌بردند. در بعضی از کتب این دوره به این طبقه نیز اشاره شده است (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۱۲). گدایان از پایین‌ترین و پست‌ترین طبقات اجتماع محسوب می‌شدند. با وجود برخورد بعضی از حاکمان با ایشان و فرمان جمع‌آوری آنها در بعضی مقاطع این دوره، می‌توان گفت فرهنگ دینی در ایجاد پایگاه درآمدی برای ایشان نقش انکارناپذیری داشته است (بوا، ۱۳۴۳: ۷۸).

چون گدایان درت خوان سعادت گسترند خسروان دارند بر انعامشان دست سؤال

(کاشی، ۱۳۸۹: ۱۴۴)

۳.۳.۳ سیادت

از جمله پایگاه‌های درآمدی این دوره سیادت و انتساب به خاندان پیامبر (ص) بود. سادات همواره در میان مسلمانان از احترام و اعتبار خاصی برخوردار بوده، به همین سبب از امتیازات و مزایای مادی و معنوی خاصی استفاده می‌برده‌اند. اگرچه دورانی از فشار و سختی نیز بر این خاندان گذشته است. فرهنگ دینی و توصیه‌های موجود در مضامین دینی مانند لزوم مودت اهل بیت (ع)، به سادات این امکان را می‌داد که به راحتی در جایگاه‌های مختلف اجتماعی قرار گرفته، از مزایای مادی و غیرمادی آن استفاده ببرند (سمرقندی، ۱۳۶۰: ۱۴۸/۲؛ فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۷؛ عباسی، ۱۳۸۱: ۵۹).

در قرن‌های هشتم و نهم در دوران حاکمان مسلمان مغول، خصوصاً حاکمانی که به

تشیع متمایل شدند، سادات از احترام و مزایای ویژه‌ای برخوردار بودند (بوا، ۱۳۴۳: ۶۹). احترام به اولاد پیامبر (ص) موضوعی است که به‌ویژه از دوره تیمور به بعد همواره با آن مواجه می‌شویم. حاکمان تیموری نسبت به ائمه اثنی عشر احترام بسیاری قائل بوده و به زیارت قبور ایشان به‌ویژه امام هشتم (ع) می‌رفتند (میرخواند، ۱۳۷۳: ۷۹/۶). احترام به سادات در دوره تیموریان افزایش یافت و ایشان در این دوره از طبقات برگزیده محسوب می‌شدند (کسایبی، ۱۳۷۵: ۹۷). اولویت ایشان در اموری مانند امامت جماعت، حضور در مجالس رسمی دربار، تولیت اوقاف و اماکن زیارتی، گواهی برای حل دعاوی و عقد ازدواج از جمله این موارد است. در عهد ایلخانان و حاکمان تیموری، وقف و اختصاص دارالسیاده از طرف حکومت و مردم به ایشان نیز رواج بسیاری داشت (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۸۸/۳). در مجموع، باید گفت بسیاری از سادات علاوه بر تصدی مشاغل مختلف در سایر فعالیت‌های اجتماعی نیز از اولویت خاصی برخوردار بوده‌اند و به طرق گوناگون از مزایا و درآمد حاصل از این پایگاه درآمدی بهره‌مند می‌شدند (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۹۶). سادات حتی پس از حیات دنیوی نیز مورد احترام بوده، مردم بر مزار بعضی از ایشان قبه و بارگاه ساخته، آن را زیارتگاه قرار می‌دادند. به واژه سادات در یک بیت از اشعار ابن‌یمین اشاره شده است.

ز دروازه برون باشد مزاری ز لطف ساکنانش مرغزاری
درو آسوده ساداتی مکرم یکایک مقتدای اهل عالم

(فریومدی، ۱۳۶۳: ۱۱۸۰۰ و ۱۱۸۰۱)

۴.۳.۳ تولیت اوقاف

سنت وقف به‌عنوان یکی از ارزش‌های دینی در این دو قرن رواج داشته است. وقف بناها برای مدارس دینی، مساجد، اماکن عام‌المنفعه به‌ویژه خانقاه‌ها و تعیین دارایی‌هایی جهت اداره امور این موقوفات در میان مردم برای کسب پاداش اخروی و گاه وجهه دنیوی مرسوم بوده است. معمولاً واقفان افرادی را برای سرپرستی و انجام امور مربوط به این موقوفات تعیین می‌کردند. ایشان که متولیان موقوفات خوانده می‌شدند، از محل دارایی‌های موقوفات مقرری دریافت می‌کردند (پسندیده، ۱۳۶۳: ۱۴). ایشان همچنین به جهت دردست‌داشتن این مسئولیت از اعتبار و جایگاه اجتماعی خاصی برخوردار بوده و امتیازها و درآمدهای جانبی دیگری نیز داشتند. به این ترتیب، این مسئولیت علاوه بر

مقرری معین شده، پایگاهی درآمدی برای ایشان ایجاد می کرد تا از طریق آن در بسیاری از فعالیت های اجتماعی حضور یافته و از مزایای مادی و غیرمادی آن بهره مند شوند (امیدیانی، ۱۳۷۸: ۵۳).

ور ز قرب حضرت و علم قدر رانی حدیث واقف گنجینه سر قضا پیداست کیست
(طوسی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۳۲)

۴. نتیجه گیری

آنچه گذشت، گامی آغازین برای نشان دادن چگونگی نقش آفرینی آموزه های دینی در یکی از مهم ترین مؤلفه های سبک زندگی یعنی مشاغل و پایگاه های درآمدی بود. مشاغل و پایگاه های درآمدی از پنج دیوان شعر برگزیده استخراج شده بود و چگونگی اثرگذاری آموزه های دینی بر آنها در بستر یک مطالعه تکمیلی به دست آمد. این یافته که دست کم پاره ای از مشاغل و پایگاه های درآمدی قرن های هشتم و نهم هجری خاستگاه دینی دارند و یا در برخی از ویژگی های خود از آموزه های دینی اثر پذیرفته اند، دارای پیامدهایی است که از جمله مهم ترین آنها می توان به درآمدزایی پاره ای از آموزه های دینی و کسب معیشت از طریق آن، جنبه تقدس یافتن مشاغل مرتبط به دین نزد مردم و دستیابی صاحبان آن به نفوذ و جایگاه و احترام ویژه در جامعه اشاره کرد. رسیدن به الگویی مناسب و دین بنیاد برای سبک زندگی که اخیراً مورد توجه بیشتر مدیران و نهادهای علمی کشور قرار گرفته است،^۱ بی تردید نیازمند واکاوی های تاریخی در چهارچوب ضوابط و معیارهای تاریخ اجتماعی است تا نشان دهد مسلمانان در گذشته تاریخی خود چگونه در ابعاد گوناگون زندگی خود از آموزه های دینی اثر پذیرفته بودند. این یافته ها می تواند در تدوین الگوهایی برای جامعه امروز سودمند افتد. روشن است که رسیدن به درکی روشن در این زمینه نیازمند بررسی های بیشتر است.

پی نوشت

۱. برای دیدگاه هایی درباره چیستی تاریخ اجتماعی ← اتابکی (۱۳۸۲). *تاریخ اجتماعی نگاه از پایین؛ رحمانیان (۱۳۸۶). پیدایش تاریخ اجتماعی؛ هخت (۱۳۹۰). تاریخ اجتماعی؛ سانچر (۱۳۸۹). تاریخ فرهنگی و شما؛ دایرةالمعارف تاریخ اجتماعی (The black Well Encyclopedia of Social History: (EST)*

۲. موسی پور (۱۳۸۶)، ۱۴۷؛ برای آگاهی از دیدگاه‌هایی درباره تفاوت تاریخ اجتماعی و زندگی روزانه ← استون (۲۰۰۷). «زندگی روزانه»، *دایرةالمعارف تاریخ اجتماعی*؛ هاسگاما (۲۰۰۷). «زندگی روزمره»، *دایرةالمعارف تاریخ اجتماعی*.

۳. برای نمونه‌هایی از برداشت‌های اجتماعی از متون ادبی به‌ویژه شعر به عنوان نمونه ← رضاقلی (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی خودکامگی؛ روح‌الامینی (۱۳۷۰)*. *نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی؛ صدیقی (۱۳۷۲)*. *طرح پژوهشی در شاهنامه فردوسی از دیدگاه تاریخ اجتماعی و جامعه‌شناسی؛ فتوره‌چی (۱۳۸۵)*. *سیمای جامعه در آثار سنایی؛ مباحثی (۱۳۷۲)*. پایان‌نامه دکتری «اجتماعیات در کلیات شمس».

۴. برای گزارشی از اوضاع سیاسی و اجتماعی این دوره ← فضل‌الله (۱۳۷۴). *جامع‌التواریخ؛ خواندمیر (۱۳۸۰)*. *تاریخ حبیب‌السیر؛ ابن بطوطه (۱۳۳۷)*. *سفرنامه ابن بطوطه؛ یزدی (۱۳۸۷)*. *ظفرنامه؛ خوافی (۱۳۸۶)*. *مجمعل فصیحی؛ کلاویخو (۱۳۸۴)*. *سفرنامه کلاویخو؛ میرجعفری (۱۳۷۹)*. *تاریخ تیموریان و ترکمانان؛ رویمر (۱۳۸۷)*. *تاریخ ایران دوره تیموریان*. برای فعالیت‌های عمرانی و آبادانی در این دوره ← زنجی اسفزاری (۱۳۵۸). *روضه‌الجنات فی اوصاف مدینه هرات؛ بوأ (۱۳۴۳)*. *تمدن تیموریان؛ دانشمنددوست (۱۳۵۹)*. *هنر معماری ایران در دوره تیموریان*.

۵. این شاعران در اشعار خود به مشاغل و پایگاه‌های درآمدی مختلفی اشاره کرده‌اند:

۱.۵ حسن کاشی: به مشاغل و پایگاه‌های درآمدی مانند مدرس، مداح، خیاط و گدا اشاره کرده است:

- علی وصی رسول خدا و زوج بتول	علی مدرس تدریس عالم بالاست
- کاشی مداح ما مدحت ما می‌نویس	مدحت ما می‌نویس کاشی مداح ما
- دست خیاط ازل چون رشته درسوزن گرفت	هر سعادت کاندرا این فیروزه ایوان می‌رود
- چون گدایان درت خوان سعادت گسترند	خسروان دارند بر انعامشان دست سؤال

۲.۵ ابن‌یمین فریومدی به سبب اهتمام بیشتر به مسائل و موضوعات اجتماعی از مشاغل و پایگاه‌های درآمدی متعددی از جمله امامت جماعت، مؤذن، محتسب، شحنه، قاضی، مفتی، مدرس، ملاح، مرده‌شویی، خادم، نقاشی، معماری، سیادت و صوفی‌گری نام برده است. یادآور می‌شود سند این ابیات در متن مقاله ذکر شده‌است.

- شرطست در نماز جماعت امام را	کاو را از آن میان صفت افضلی بود
- گه بود حقه سیماب و درو مهره زر	گاه از آن حقه کند مؤذن شبخیز خروج
- ما را چو ملک و مال خرید و فروخت نیست	گر محتسب برون کند ز شهر فارغیم

که گیرد زهره رعنا به ترک شوخی و شنگی
قدّ او شاخی که هستش بخت و دولت
ز لوح رأی تو گیرد چو اب فتوی را
به دانش مقتدا اهل یقین را
بادبان از پرنیان ز رنگارش درکشید
کار آن دون مرده شویی بود و بس
از شوق دلم گوید کاین ساغر و آن ساقیست
بیت معمور این سرای خراب
صورت حالم بآب سیم و زر برمیکشد
گوش بهر استماع و چشم بهر انتظار
یکایک مقتدای اهل عالم

- ز بیم شحنه عدلت خرد را بس عجب ناید
- در ششم مسند چه دیدم قاضی نیک اختری
- بهر قضیه که مفتی شرع درماند
- درویابی مدرس شمس دین را
- شد روان کشتی به رود نیل چون ملاح غیب
- گر به استحقاق بودی کارها
- گر خادم مسجد را قندیل به کف بینم
- شد به معماری عنایت تو
- مردم چشمم بعهد حسن او نقاش وار
- بازماند صوفیان خانقاه قدسی را
- درو آسوده ساداتی مکرم

۳.۵ شرف الدین علی یزدی در اشعار خود به حافظ قرآن، محتسب، شحنه و واعظ اشاره کرده است:

محفل حفاظ را افزوده نوری از جمال
شحنه گو بشکن خم و پیمانہ هم
چون با هزار بت قدح باده می شکست

- مجلس واعظ را دادی نظامی بر کمال
- باده ما از سبویی دیگرس
- انصاف محتسب بر رندان درست شد

۴.۵ طوسی اسفراینی نیز به مشاغل و پایگاه‌های درآمدی متعددی از جمله مؤذن، محتسب، شحنه، قاضی، مفتی، معلم، ملّاح، خبّاز، کاروان‌سالار، منجم، فرّاش، صوفی و واقف اشاره کرده است:

ز قامتش به چمن سرو در نماز آید
بگذر ز ما که مستی ما از شراب نیست
چو شحنه‌ای که کشد دزد عقل را بردار
عذرخواه سهو و عصیان حامی جرم و جفا
نه فکر هیچ توانا به گنه او دانا
چو طوطی شکرشکن شکرین مقال
خبّاز عشق کرده ست این زیره در خمیرم
کاروان‌سالار اقلیم بقا پیداست کیست
تا سوی خانه برکشیم علم

- اگر مؤذن دین آن درخت ناز آید
- ای محتسب که منع سراندازیم کنی
- ستانده بود به در چاوشی و نامش عشق
- مفتی علم قضا قاضی احکام قدر
- نه عقل هیچ معلم به علم او آگاه
- مداح اهل بیت نبی آذری منم
- تخم محبت از دل بیرون نمی توان کرد
- رهروان راه جنت را از این رحلت‌سرا
- بزن ای ساربان تو طبل رحیل

- منجمان ولایت به زیج و اسطرلاب
 - فرآش خرد رفته به جاروب تنزه
 - صوفی گرم رو نگر خرقه فکنده در سماع
 - وز ز قرب حضرت و علم قدر رانی حدیث

کنند در درجات این تساوی و تعدیل
 از گرد در معرفتش گرد سما را
 خارج حلقه آمده چرخ زنان حمایتی
 واقف گنجینه سر قضا پیداست کیست

۶.۵ این حسام خوسفی در اشعار خود از مشاغلی مانند مفتی، واعظ، نساج، طبّاخ، قافله‌سالار، ملاح و نقّاش یاد کرده است:

- مفتی درس دیر عشق کجاست
 - گویند یکی واعظ چالاک سخنگوی
 - نسج خلعت شاهان کجا تواند بافت
 - طبّاخ خوان نعمت او آتش تموز
 - کوچ فرمود قافله‌سالار
 - کشتی عمر ما چو به گرداب درکشند
 - فراش فرش خلقت او، باد خوش خرام

تا بگویند که نیست باده حرام
 آهنگ سفر کرد و یکی نحوی دیگر
 کسی که بر عمل بوریا برد نساج
 صباغ رنگ صنعت او باد نوبهار
 چشم غافل نمی‌شود بیدار
 ملاح قدرت تو مگر باشد آشنا
 نقّاش نقشی صفت او، آب خوشگوار

۶. مجله علامه، ش ۱۶، ص ۲۴-۱

۷. پژوهشنامه تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱، ص ۱۳۹-۱۲۱

۸. مجله انسان‌شناسی، ش ۱۳، ص ۱۸۱-۱۶۳

۹. تعبیر دین آورد و دین پرورد برگرفته از مقاله آقای دکتر ابراهیم موسی پور با عنوان «زندگی حرفه‌ای مؤذنان و بازتاب آن در ذهن و زبان مسلمانان» است.

۱۰. سرآغاز این حرکت سخنان رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۹۱/۷/۲۳ در جمع جوانان استان خراسان شمالی بود. متن کامل این سخنرانی در پایگاه اطلاع‌رسانی معظم‌له در دسترس است.

منابع

ابن بابویه (۱۴۰۱). من لایحضره الفقیه، ج ۱، بیروت.

ابن بطوطه (۱۳۳۷). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابن عربشاه (۲۵۳۶). عجائب‌المقدور (زندگی شگفت‌آور تیمور)، ترجمه علی نجاتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابوداود (۱۴۱۳). سنن، استانبول: چاپ عزت عبید دعاس.

اتابکی، تورج (۱۳۸۲). «تاریخ اجتماعی نگاه از پایین»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۷۱.

- امیدیانی، سیدحسین (۱۳۷۸). «ربع رشیدی مجتمع بزرگ وقفی علمی و آموزش تبریز»، *مجله وقف میراث جاویدان*، ش ۲۷.
- امیرخانی، غلامرضا (۱۳۸۱). «کتابخانه‌های وقفی خراسان»، *مجله وقف میراث جاویدان*، ش ۳۵ و ۳۶.
- امین، سیدحسین (۱۳۸۶). «نظام قضایی در ایران پس از اسلام»، *مجله تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع)*، تابستان، ش ۱۰.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۴۷). «محتسب که بوده است؟»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، ش ۱۷.
- بلر، شیلا (۱۳۸۷). *معماری و جامعه در دوره ایلخانان (تحلیل وقف‌نامه ربع رشیدی)*، ترجمه مهرداد قیومی، پاییز، ش ۱۳.
- بوأ، ازل (۱۳۴۳). «تمدن تیموریان»، ترجمه باقر امیرخانی، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ش ۶۸.
- پسندیده، محمود (۱۳۶۳). «چهار مدرسه موقوفه از دوره تیموریان و صفویان»، *مجله وقف میراث جاویدان*، ش ۴۸ و ۴۷.
- جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۸۷). *تاریخ و تمدن اسلامی*، ج ۲، قم: دفتر نشر معارف.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۲). «مروری بر منقبت امامان (ع) در شعر فارسی»، *مجله مشکوه*، بهار، ش ۷۶.
- جوکار، نجف (۱۳۶۷). «عملکرد محتسب و بازتاب آن در برخی متون ادب فارسی»، *مجله شناخت*، بهار، ش ۵۷.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۴۹). *جغرافیای حافظ ابرو*، به کوشش مایل هروی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حسین پور، سیدعلی (۱۳۸۶). «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در نیمه نخست قرن نهم هجری»، *مجله تاریخ در آینه پژوهش*، ش ۱۶.
- حسینی تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲). *تزوکات تیموری*، تهران: کتابفروشی اسدی.
- حسینی شاه‌ترابی، سیدمرتضی (۱۳۸۸). «صوفیان شیعه در خراسان دوره تیموری»، *مجله سخن تاریخ*، ش ۴.
- خوافی، فصیح (۱۳۸۶). *مجموعه فصیحی، تصحیح محسن ناجی نظرآبادی*، تهران: اساطیر.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام (۱۳۸۰). *حبیب‌السیرفی اخبار افراد بشر*، زیر نظر محمود دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- خوسفی قهستانی، شمس‌الدین محمدبن حسام‌الدین (۱۳۶۶). *دیوان ابن حسام خوسفی*، تصحیح محمدتقی سالک میرجندی، مشهد: اداره اوقاف مشهد.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۶). «وقف‌نامه امیرچخماق»، *مجله معارف اسلامی (سازمان اوقاف)*، ش ۴.
- دانشمنددوست، یعقوب (۱۳۵۹). «هنر معماری ایران در دوره تیموریان»، *مجله اثر*، ش ۱.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۶). «پیدایش تاریخ اجتماعی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۱۲.
- رستمی، پروین (۱۳۹۰). «وضعیت محاکم در عصر ایلخانان»، *مجله نامه تاریخ پژوهان*، ش ۱۵.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۰). *نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی*، تهران: آگاه.
- زحیلی، وهبه مصطفی (۱۹۹۷). *الفقه الاسلامی و ادلته*، ج ۲، دمشق.
- زمجی اسفراری، معین‌الدین محمد (۱۳۵۸). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، به سعی محمد کاظم امام، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.

- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ج ۲، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سامی، علی (۱۳۵۲). «سیر دانش و فرهنگ ایران در ادوار مختلف بعد از اسلام»، *مجله هنر و مردم*، ش ۱۲۶. سانچر، کارولا (۱۳۸۹). «تاریخ فرهنگی و شما»، ترجمه عباس احمدوند، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۴۳. سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۵). *تذکره الشعراء*، مقدمه و تصحیح فاطمه علاقه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۶۰). *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، ج ۲، لاهور.
- شایسته‌فر، مهناز (۱۳۷۹). «رابطه مذهب و نگارگری در دوره تیموریان و اوایل صفوی»، *مجله مدرس علوم انسانی*، ش ۱۵.
- شلیبی، احمد (۱۳۷۰). *تاریخ آموزش در اسلام*، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. صاحب جواهر (بی‌تا). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، محقق عباس قوچانی، ج ۱۴، بی‌جا: دار احیاء التراث العربی.
- صدیقی، غلامرضا (۱۳۷۳). «طرح پژوهشی در شاهنامه فردوسی از دیدگاه تاریخ اجتماعی و جامعه‌شناسی تاریخی»، *مجله آینه*، ش ۶-۴.
- طوسی اسفراینی، نورالدین حمزه‌بن علی (۱۳۸۹). *دیوان آذری طوسی اسفراینی*، تهران: مجلس شورای اسلامی. عباسی، جواد (۱۳۸۱). «سادات در دوره مغول»، *مجله تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم*، ش ۱۲. فنوره‌چی، مینو (۱۳۸۶). *سیمای جامعه در آثار سنایی*، تهران: امیرکبیر.
- فدایی تهرانی، مریم (۱۳۸۳). «بررسی آثار قرآنی دوره تیموری»، *کتاب ماه هنر*، ش ۶۹ و ۷۰. فریومدی، فخرالدین محمدبن یمین (۱۳۶۳). *دیوان ابن‌یمین*، تصحیح حسینعلی باستانی‌راد، تهران: کتابخانه سنایی.
- فضل‌الله، رشیدالدین (۱۳۵۸). *سوانح‌الافکار (مکاتبات رشیدی)*، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.
- فضل‌الله، رشیدالدین (۱۳۶۲). *جامع‌التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، ج ۲، تهران: اقبال.
- قلی، علی‌رضا (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی خودکامگی*، تهران: نی.
- کاشی، کمال‌الدین حسن‌بن محمود (۱۳۸۹). *دیوان حسن کاشی*، به کوشش سیدعباس رستاخیز، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- کاوسی، ولی‌الله (۱۳۸۷). «زمینه‌های توسعه هنر در دوره تیموریان»، *مجله آینه خیال*، ش ۱۲. کسایبی، نورالله (۱۳۷۵). «هرات از طاهریان تا تیموریان»، *مجله مطالعات و بررسی‌ها*، ش ۶۰ و ۵۹. کلاویخو، روی گونسالس (۱۳۸۴). *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی فرهنگی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نی.
- لمبتون، ان؛ و نیوتون کرک (۱۳۸۴). «بررسی موقوفات ایران در قرن ششم تا هشتم هجری»، ترجمه مریم کیانی، *مجله وقف، فرهنگ و میراث جاویدن*، ش ۴۹.

- محقق حلی (۱۹۶۹). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، محمدتقی حکیم، نجف، ۱۴۰۹، تهران: چاپ صادق شیرازی.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۵۸). مسائل عصر ایلخانان، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- موسی پور، ابراهیم (۱۳۸۶). «تاریخ اجتماعی رویکردی نوین به مطالعات تاریخی»، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۶.
- موسی پور، ابراهیم (۱۳۸۹). «زندگی حرفه‌ای مؤذنان و بازتاب آن در ذهن و زبان مسلمانان»، پژوهش‌نامه تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱.
- موسی پور، ابراهیم (۱۳۸۹). «فرهنگ دینی در نظام حمل و نقل و مسافرت‌های مردم ایران در عصر صفوی - قاجاریه، مجله انسان‌شناسی، ش ۱۳.
- میرخواند، محمدبن خاوندشاه (۱۳۷۳). روضه‌الصفاء، ج ۶، تهران: کتابفروشی مرکزی.
- نبئی، ابوالفضل (۱۳۶۳). «تیسیر تنجیم و تفسیر منجم»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار، ش ۶۵.
- نفیسی، سعید (بی‌تا). تاریخ نظم و نثر فارسی در ایران و زبان فارسی، تهران: کتابفروشی فروغی.
- نیشابوری، لطف‌الله (۱۳۸۹). دیوان لطف‌الله نیشابوری، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- واصفی، محمود (بی‌تا). جوامع‌الوقایع، تصحیح الکساندر بلدرف، ج ۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ویلبر، دونالد؛ و لیزا گلمبک (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هخت، جی. جینا (۱۳۹۰). «تاریخ اجتماعی»، ترجمه حسن زندیه، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۴۶ و ۴۵.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۶). منظومات شرف‌الدین، به کوشش ایرج افشار، تهران: ایران زمین.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷). ظفرنامه، به تصحیح سیدسعید میرمحمد صادقی، حسین نوایی، تهران: مجلس شورای اسلامی.